

ادامه از صفحه اول

معجزه‌گران در راه‌اند؟

حامیان اصولگرایان مجلس و ریاست آن اگر انتظار معجزه‌های در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی از این نمایندگان دارند، باید گوشه‌چشمی به مرد معجزه هزاره سوم داشته باشند که خاطره بسیار تلخی از خود به یادگار گذاشته است. رویکرد دیگر، رویکرد آخرازمانی است که همه‌چیز را ازدست‌رفته می‌داند. نگاهی اپوزیسیونی و باور به اینکه دیگر کار از کار گذشته است و هیچ چیز را نمی‌توان درست کرد. چون به دست‌زدن به پازل کوچکی، پازل‌های بزرگ هم فرومی‌ریزند. نکته اساسی در این رویکرد این است که آنان به گرانیگاهی مشترک می‌رسند، اصولگرایان باور دارند همه‌جای کشور باید در دست آنان باشد تا همه‌چیز روبه‌راه شود و اپوزیسیون نیز معتقد است باید کسی بیاید تا همه‌چیز را زیر و رو کند. این شخصیت کیست؟ همه جریان‌های اپوزیسیون با همه تفاوت‌هایشان یک پاسخ بیشتر ندارند که منبعث از رویکرد آخرازمانی است. این دو رویکرد باعث می‌شود کار برای رئالیست‌های سیاسی سخت پیش برود و این سختی گاه با توهین و تحقیر همراه است. معجزه‌گران و آخرازمانی‌ها مانند تیغ دو ه‌داند که با همه تعارضاتشان گاه منافعشان بر سر حذف واقع‌گرایان سیاسی مشترک می‌شود. چگونه می‌شود این دو رویکرد که تضاد منافع عمیقی دارند بر سر موضوع حذف واقع‌گرایان سیاسی اتفاق نظر داشته باشند؟ در پایان یادآوری این نکته ضرورت دارد که شاید بخش اندکی از اصلاح‌طلبان رئالیست سیاسی باشند، اما مقصود در اینجا صرفا آنان نیستند.

دولتمردان و اجاره‌نشین‌ها

زمان انتظار برای تملک مسکن برای جوانان از ۱۰ سال و ۲۰ سال در اواخر دهه ۶۰ به یک عدد سرقمی در شرایط حاضر رسیده است. در سالیان گذشته مهم‌ترین اقدام متولیان امر برای مقابله با این بحران بزرگ، فقط افزودن بر سقف وام مسکن بود؛ اقدامی که رشد جمعیت مستأجر روشن‌ترین دلیل ناکارآمدی آن در چند دهه گذشته است. بی‌اعتنایی دولتمردان و سیاستون به بازار مسکن استیجاری، موجب شد این بازار در چند دهه گذشته به بازاری مطلوب، کم‌خطر و پربازده برای صاحبان نقدینگی تبدیل شود و به بیان دیگر، تقاضای سفته‌بازانه برای مسکن به‌سرعت رشد کند. رشد تقاضای سفته‌بازانه که به‌غلط سرمایه‌گذاری نامیده شده، شرایطی را فراهم‌کرد که از یک سو با افزایش قیمت مسکن، دست متقاضیان واقعی مسکن از رسیدن به خواسته خود کوتاه شود و از سوی دیگر، با افزایش اجاره‌های مسکن، اقتصاد درهم‌شکسته خانوارهای کم‌درآمد با دشواری‌های بیشتری مواجه شود.

بی‌تردید می‌توان بخشی از گسترش بی‌رویه فقر در جامعه امروز ایران را ناشی از همین سیاست غلط عدم مداخله در بازار مسکن استیجاری دانست، زیرا این عامل در کنار سایر عوامل مؤثر بر رشد و گسترش فقر، با موفقیت تمام توانسته است رشدی چشمگیر در درصد جمعیت زیر خط فقر کشورمان ایجاد کند.

اینک متولیان امر وعده دیگری مطرح می‌کنند که بناسبت با اجرای طرح اجاره‌داری، نظم و سامان به این بازار بدهند. اما باید دانست چنین طرحی حتی اگر با جدیت تمام اجرا شود، فقط در حد یک مُسکن کوتاه‌مدت برای جامعه دردمند مستأجر است. درمان جدی و ریشه‌ای معضل فقر مسکن در کشورمان در گرو خارج‌کردن تقاضای سفته‌بازانه از بازار املاک است. تا زمانی که دولتمردان و سیاست‌گذاران گامی در مسیر محدودکردن این تقاضا و اخراج تدریجی آن از بازار برندارند، همواره باید انتظار داشت با واردشدن نقدینگی به بازار، قیمت مسکن باز هم با رشد سریع روبه‌رو شود.

با مقایسه سخنان سال گذشته وزیر وقت و سخنان اخیر معاون مسکن و ساختمان وزارت راه‌وشهرسازی، می‌توان ادعا کرد که دولتمردان پذیرفته‌اند که بی‌عملی در بازار مسکن استیجاری سیاست نادرست و ناعفوقولی است. اما این تازه آغاز راه است. آنان حقایق بیشتری را باید بی‌بیزند، آنان باید بپذیرند که اولاً داشتن مسکن متناسب با شأن یک شهروندان است، ثانیاً «سرمایه‌گذاری» برای خرید مسکن و برخورداری از رشد قیمت آن، حداقل تا زمانی که بازار املاک و مستغلات شرایط عادی خود را بازنیابد، اقدامی از نوع احتکار کالاهای اساسی است و باید با آن مقابله کرد، ثالثاً دولت باید برنامه‌ای جدی و شفاف برای خنانه‌کردن همه شهروندان داشته باشد و به قول وزیر اسبق راه‌وشهرسازی، به پرسش «چگونه می‌توانم خانه بخرم؟» شهروندان پاسخی روشن، عملی و بدون لکت داشته باشد. گفتنی است سخنان وزیر اسبق که در ایام تدوین برنامه ششم مطرح شد، هرگز موجب شروع اقدامی جدی از جانب نهادهای دست‌اندرکار برای محقق‌شدن این آرمان زیبا و باشکوه نشد. اما نکته چهارمی که باید متولیان امر مسکن بپذیرند، این است که با همت فعالان فضای مجازی، دوران دادن وعده و فراموش‌کردن آن به‌سر آمده است.

شرق: برای اولین‌بار تصویر محمود موسوی‌مجد، فرزند سیدکاظم، جاسوس سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد که با حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شده است، منتشر شد. اواسط هفته گذشته بود که سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود گفت: «سیدمحمود موسوی‌مجد» که به سرویس‌های موساد و سیا در حوزه‌های امنیتی و نیروهای مسلح، به‌ویژه سپاه قدس و محل استقرار و تردد‌های سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی اطلاعاتی داده و در اختیار بیگانه می‌گذاشت، به اعدام محکوم شد. البته مرکز رسانه قوه قضائیه در اطلاعیه عنوان کرد: «تمام مراحل قضائی پرونده جاسوس سیا و موساد مدت‌ها قبل از شهادت حاج قاسم سلیمانی انجام شده است. پرونده او ارتباطی با اقدام تروریستی دولت آمریکا در

تصویر جاسوس فرماندهان نظامی منتشر شد

به‌شهادت‌رساندن فرمانده سپاه قدس ندارد، حکم اولیه اعدام او در دادگاه سوم شهریور ۹۸ صادر شده است. هفته گذشته، اسماعیلی توضیح داده بود که این فرد در قبال اخذ دلارهای آمریکایی، در حوزه‌های مختلف امنیتی اطلاعاتی را جمع‌آوری کرده و در اختیار سرویس بیگانه قرار داده بود. یکی از اتهامات این فرد اعلام محل تردد و اسکان سردار شهید سلیمانی و برخی فرماندهان نظامی در ادوار مختلف به سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد بود که با حکم دادگاه انقلاب



تأیید و دوباره پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال کرد و هم‌اکنون این حکم در دیوان عالی کشور نیز

اسلامی به اعدام محکوم شد.

براساس این گزارش، پس از بازداشت موسوی‌مجد در تاریخ ۱۸ مهر ۹۷، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهامات انتسابی او رسیدگی و در تاریخ سوم شهریور ۹۸ حکم اعدام او را صادر کرد که با اشکال و ایراد دیوان عالی کشور حکم دوباره به محکمه برگشته و دادگاه بار دیگر در سوم اسفند ۹۸ و بررسی مجدد پرونده حکم اعدام او را

تأیید و دوباره پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال کرد و هم‌اکنون این حکم در دیوان عالی کشور نیز

در سالروز یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، می‌روحی و قوامی پاسخ دادند

چرا اصلاح‌طلبان از روحانی حمایت کردند؟

آزادانه در انتخابات حضور داشته باشند؛ در غیر این صورت، حضور اصلاح‌طلبان بدون هویت اصلاح‌طلبی در هیچ شرایطی درست نیست و دیگر رخ نخواهد داد».

قوامی: بعد از دصلاحت آیت‌الله هاشمی، بهترین گزینه روحانی بود
ناصر قوامی، نماینده مجلس ششم و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، هم باور دارد که تصمیم سال۹۲ یک تصمیم درست و بجا بود. او درباره این موضوع به «شرق» گفت: «ما در سال۹۲ نمی‌توانستیم پیش‌گویی کنیم که در آینده چه می‌شود، اما توانستیم یک تصمیم مهم برای زمان حال بگیریم. در آن دوره وضعیت کشور بسیار بیرنج بود و انواع تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی بر مردم تحمیل شده بود؛ در چنین شرایطی نیروهای اصلاح‌طلب تصمیم گرفتند که با حمایت از یک نیروی معتدل شرایط را قدری بهبود ببخشند و انصافا هم در دوره اول آقای روحانی با انعقاد برجام، لغو تحریم‌ها و کناررفتن سایه جنگ از سر کشور اوضاع کشور مناسب شد. واقعیت این است که در سال۹۲ چاره‌ای وجود نداشت جز حمایت از روحانی؛ به خصوص بعد از ردصلاحت آیت‌الله هاشمی، اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که بهترین گزینه آقای روحانی است؛ ولو اینکه می‌دانستیم روحانی اصلاح‌طلب نیست. بنابراین تصمیم اصلاح‌طلبان در سال۹۲ درست بود، اما اینکه در بعد از آن از سوی آقای روحانی اتفاقاتی رخ داد و به انحای مختلف گفته شد که رأی روحانی ارتباطی به حمایت اصلاح‌طلبان نداشت، بحث دیگری است

که ربطی به تصمیم اصلاح‌طلبان در سال۹۲ ندارد». او ادامه داد: «یکی از ایراداتی که به آقای خاتمی و دیگر اصلاح‌طلبان وارد است، نگذاشتن شرط برای حمایت بود؛ اینکه چرا شرطی مقرر نشد که فلان قدر سهم از دولت برای اصلاح‌طلبان باشد. آقای خاتمی در آن زمان گفت که ما هیچ توقعی نداریم و صرفا می‌خواهیم که روحانی رئیس‌جمهور بشود که کشور بیش از این دچار مشکل نشود». قوامی به پاسخ به این پرسش که آیا در مقطع کنونی هنوز هم سیاست اتلافی پاسخ‌کو است یا خیر، گفت: «در میان اصلاح‌طلبان دو نظر وجود دارد؛ برخی تمایل دارند که رویه‌ای مانند آنچه در انتخابات مجلس مشاهده شد، در پیش گرفته شود. وقتی عده زیادی از اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ردصلاحت شدند، تصمیم بر این شد حالا که نامزد رأی‌آوری وجود ندارد اصلا لیستی داده نشود. نظریه دیگر در آن زمان این بود که اصلاح‌طلبان پیش از انتخابات لیستی تنظیم کنند و اگر همه آن لیست ردصلاحت شد به مردم بگویند که ما می‌خواستیم شرکت کنیم اما شرایط چنین اجازه‌ای را نداد. اکنون هم در چنین وضعیتی قرار داریم و من تصور می‌کنم که باید از حالا اعلام شود که این افراد نامزدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری خواهند بود و اگر آنها ردصلاحت شدند اصلاح‌طلبان اعلام کنند که اجازه مشارکت در انتخابات داده نشد، زیرا قرار نیست اصلاح‌طلبان پشت‌سر آیدان قرار بگیرند که در نهایت ریاست با آنها باشد اما هزینه‌اش را اصلاح‌طلبان بپردازند. ما باید از همین حالا افرادی را معرفی کنیم که همه‌جوره اصلاح‌طلب هستند و توانایی ایستادگی در برابر مشکلات و تبعیض‌ها را دارند. حال تصور کنیم که همه آنها ردصلاحت شوند؛ در آن صورت حجت بر ما تمام می‌شود و دیگر انتظاری از اصلاح‌طلبان وجود نخواهد داشت. آتهایی که می‌گویند تحت هر شرایطی باید در انتخابات شرکت کنیم، چندان به فکر هویت و سرمایه اجتماعی جبهه اصلاحات نیستند».

نیست؛ در واقع مبنا باید چه در ارزیابی‌های شورای نگهبان و چه در بررسی اعتبارنامه، قوه قضائیه باشد، به هرحال نمایندگان قاضی نیستند و قضاوت امری بسیار دشوار است. قاضی باید فرایند به سمتی برود که به طور کلی اگر سند یا پرونده‌ای وجود دارد به قوه قضائیه ارسال شود و دستگاه قضا بر اساس بررسی‌های همه‌جانبه حکم دهد. اینکه مثلا ۲۰ نفر در یک کمیسیون با شعبه مجلس جمع شوند و درباره تخلف یا عدم تخلف یک نماینده رأی دهند، به نظر می‌رسد جای اشکال دارد».

این نماینده برنامه اظهار کرد: «به نظر می‌رسد بر سر مسئله اعتبارنامه آقای تاجگردون مجلس یازدهم تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته است که چون برخی نمایندگان روی این موضوع و تخلفات تاجگردون مانور داده‌اند، حالا احساس می‌کنند اگر اعتبارنامه او را تأیید کنند، پاسخی برای افکار عمومی نسبت به همه بحث و جدلهایی که مطرح کرده‌اند ندارند؛ البته چنین موضوعی بسیار خطرناک است که این دلیل اصرار بورزند. مجلس نباید خود را در بن‌بست افکار عمومی قرار دهد». جعفرزاده ادامه داد: «با شخصی صحبت می‌کردم؛ او نیز می‌گفت الان نمی‌توانیم بعداز این همه کش‌وقوس بر سر این پرونده اعتبارنامه او را تأیید کنیم؛ با این حال معتقدم نمایندگان اگر متوجه با توجیه شده‌اند بهتر است بر این اساس تصمیم بگیرند». این نماینده سابق درباره پیش‌بینی پایان ماجرای اعتبارنامه در پایان تابستان نیز گفت: «درباره محتویات، اطلاعاتی بیش از آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، ندارم؛ اما بهتر است اگر سندی وجود دارد به قوه قضائیه ارسال شود و روال بررسی در کمیسیون تحقیق نیز به نظرم نمی‌تواند مناسب باشد».

ادامه در صفحه ۳

سیاست

یادداشت

تأیید شده است. اما از روزهای گذشته و پس از انتشار این اخبار، گمانه‌زنی‌های زیادی درباره این جاسوس محکوم به اعدام در میان رسانه‌ها و در فضای مجازی صورت گرفت؛ به‌طوری‌که تصاویر مختلف اشتباهی و جعلی متناسب به این فرد نیز منتشر شد. در یکی از شایعات منتشرشده از سوی یکی از رسانه‌های آل‌سعود موسوی‌مجد فردی مرتبط با یکی از اماکن مقدسه معرفی شده است. این در حالی است که جاسوس سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد، هیچ ارتباطی با اماکن مقدسه نداشته است. تصویر محمود موسوی‌مجد، فرزند سیدکاظم، جاسوس سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد که با حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شده است، برای اولین‌بار منتشر می‌شود.

بازگشت شماری از دانشمندان کشورمان که به بهانه‌های غیرواقعی در زندان‌های آمریکا گرفتار شده بودند، پیشرفتی مسرت‌بخش بود. تبادل زندانیان ایرانی و آمریکایی جزئی از سیاست‌های فرافرومای ما در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری نظام است که از ملاحظات انسان‌دوستانه به‌منظور پایان‌دادن به جدایی میان این شهروندان با خانواده‌هایشان برمی‌خیزد. ما از رژیم آمریکا خواسته‌ایم که فوراً مقدمات لازم برای بازگرداندن حقوق قانونی سایر زندانیان بی‌گناه ایرانی را فراهم کند و به این گروگان‌گیری شرم‌آور خاتمه دهد. دولت در اجرای سیاست‌های بالادستی، مصمم به ادامه روند حمایت از این شهروندان و البته سایر ایرانیانی است که به دلایل گوناگون در کشورهای مختلف دچار مصائب و گرفتار شرایط نامطلوب ناشی از تبعیض‌ها و روندهای سیاسی هستند. حمایت از کرامت همه شهروندان ایرانی در داخل و خارج از کشور در عین آنکه تحریم‌های غیرانسانی و ناعادلانه آمریکا روال عادی زندگی را برای آنها مختل کرده، ابتدایی‌ترین وظیفه‌ای است که دولت بیش از هر زمانی، بر عهده خود احساس می‌کند. ما می‌توانیم با همدلی بیشتر و بذل حمایت‌های مضاعف به مردم ایران، فارغ از گرایش‌های سیاسی و عقیدتی آنها، رنج دوران حاضر را اندکی بکاهیم و غرور و افتخار ایرانی‌بودن را در سراسر جهان پشتیبانی کنیم. این حس مسئولیت در برابر عزت و کرامت ایرانیان که امروز وجوه متنوعی در سیاست‌های دولت به خود گرفته، بخشی از مبارزه تسلیم‌ناپذیر ما علیه باغی‌ترین رژیم آمریکاست؛ همان رژیمی که اخیرا وقاحت در زیرپا گذاشتن ارزش‌های جهانی را به جایی رسانده که اعضای دادگاه بین‌المللی لاهه رن نیز در صورت بررسی ارتکاب جرائم بین‌المللی سربازان و شهروندان آمریکایی، تهدید به تحریم کرده است.

به نظر می‌رسد این‌بار آمریکای طغیانگر می‌کوشد زانوئ خود را بر گردن حقوق‌دانان معتبر جهان فشار دهد و نفس عدالت و ارزش‌های مشترک انسان را تنگ کند. همین رویداد برای بی‌پدی‌بن به اینکه چرا اعلام آمادگی ترامپ برای مذاکره را جدی نمی‌گیریم، کافی است. هر توافق بین‌المللی مشتمل بر شماری از تعهدات حقوقی برای طرفین است و کسی که در اهانت حتی نسبت به اصول آمره در حق‌وق بین‌المللی‌ترین احساس تاسفی بروز نمی‌دهد و فراتر از آن، پاسداران قانون در دادگاه‌های بین‌المللی را هدف اخاذی خود می‌گیرد، چگونه می‌تواند آماده سپردن تعهدات حقوقی در مذاکره و توافق با دیگر ملت‌ها باشد؟ امروز آمریکا هیچ گزینه‌ای پیش‌روی ما باقی نگذاشته جز ایستادگی در برابر زورگویی و فراخواندن همه ملت‌های مسئولیت‌پذیر جهان به همبستگی در برابر این شورش باورنکردنی.

خبر

ادعای رسانه‌ها درباره بازداشت قاضی فراری

● برخی رسانه‌ها شب گذشته از بازداشت قاضی فراری پرونده فساد اقتصادی در خارج از کشور خبر دادند. طبق این گزارش‌ها، یکی از بستگان غلامرضا منصوری، قاضی و بازریس سابق که بین متهمان پرونده فساد اقتصادی اخیر طبری قرار دارد، در اینستاگرام مدعی شده منصوری در بخارست، پایتخت رومانی، به دست پلیس اینترپل بازداشت شده است. گزارش‌ها پیش‌تر حاکی از این بود که او به آلمان رفته است.

گفت‌وگوی تلفنی روحانی با وزیر بهداشت:

«سازگاری با کرونا» به معنای کمرنگ‌شدن مقابله با آن نیست

● ایسنا: روز گذشته رئیس‌جمهوری در گفت‌وگو با سیدعبد نمکی، وزیر بهداشت، تأکید کرد: همه باید بدانند که اجرای مرحله «سازگاری با کرونا» هرگز به معنای کمرنگ‌شدن مقابله با این بیماری و رعایت‌نکردن دستورالعمل‌های بهداشتی در جامعه نیست و باید همچنان نسبت به رعایت آنها اهتمام داشته باشیم. حسن روحانی گفت: باید تلاش کنیم مرحله سوم مدیریتی مقابله با بیماری کووید ۱۹ تحت عنوان «سازگاری با کرونا» نیز با رعایت کامل تمامی دستورالعمل‌ها و ارائه آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی لازم و کافی، به بهترین شکل در کشور اجرا شود تا زندگی، معیشت و سلامت مردم توامان با هم حفظ شود. او با بیان اینکه باید همه دستگاه‌ها و بخش‌های مرتبط نسبت به چگونگی اجرای برنامه‌ریزی‌های لازم برای این مرحله آگاهی داشته باشند، افزود: هدف از اجرای مرحله سازگاری با کرونا، تأمین سلاست مردم و حفظ جان آنان، در کنار فعالیت بویای کسب‌وکارها است.